

نقش کشورهای آسیای مرکزی در طرح اوراسیای بزرگ با توجه به نقش روسیه و چین

الهه کولایی^۱، سمیه زنگنه^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۰

چکیده:

کشورهای آسیای مرکزی در همگرایی اوراسیای بزرگ به عنوان عوامل تابع در نظر گرفته می‌شوند تا عوامل فعال. وضعیت ژئوپلیتیکی موجود در همگرایی کشورهای آسیای مرکزی، روسیه و چین را به تنها گزینه موجود برای آنها تبدیل می‌کند. همگرایی سیاسی و نظامی با روسیه در سازمان پیمان امنیت جمعی و همچنین همگرایی اقتصادی با روسیه در اتحادیه اقتصادی اوراسیا از عناصر اصلی این امر است. چارچوب کلی ساخت اوراسیای بزرگ شامل روسیه، چین و کشورهای آسیای مرکزی در حوزه اقتصادی بیشتر به ابتکار عمل «یک کمربند یک جاده» چینی و توافق‌نامه همکاری بین این طرح و اتحادیه اقتصادی اوراسیا مرتبط است. همراه با نفوذ سنتی روسیه، رشد فزاینده چین به شدت در آسیای مرکزی احساس می‌شود و عامل اصلی در شکل‌گیری ساختار جدید منطقه‌ای اوراسیای بزرگ است. پرسش اصلی این است که کشورهای آسیای مرکزی در روند شکل‌گیری اوراسیای بزرگ با توجه به نقش روسیه و چین چگونه عمل می‌کنند؟ روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. هدف این پژوهش ارائه یک تحلیل سیستماتیک از منافع کشورهای آسیای مرکزی است که در رویکرد فعلی روسیه و چین درگیر هستند و رئوس طرح اوراسیای بزرگ را تعیین می‌کنند. در پاسخ به مسأله این تحقیق و در چارچوب مفهوم سیاست خارجی چندبردار نتیجه کلی این نوشتار نشان می‌دهد که کشورهای آسیای مرکزی در طرح اوراسیای بزرگ با اتخاذ سیاست خارجی «چندبردار» به دنبال ایجاد تعادل در برابر نفوذ رو به رشد روسیه و چین هستند.

واژگان اصلی: آسیای مرکزی، سیاست خارجی چندبردار، اوراسیای بزرگ، اتحاد اقتصادی اوراسیا، همگرایی، واگرایی.

۱. استاد گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

ekolaee@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

اتاق‌های کشورهای آسیای مرکزی در طرح اوراسیای بزرگ به عنوان عامل‌های تابع در نظر گرفته می‌شوند تا عامل‌های فعال. همه کشورهای آسیای مرکزی، سیاست خارجی به اصطلاح «چندمنظوره» را برای برقراری روابط متعادل با قدرت‌های بزرگ (روسیه، چین و غرب) و همچنین با کشورهای خاورمیانه و آسیای جنوبی در پیش گرفته‌اند. از دیدگاه آنها، فرمول ایده‌آل برای اوراسیای بزرگ باید شامل تمام قاره باشد. با این حال، وضعیت ژئوپلیتیکی موجود در جهان، همگرایی کشورهای آسیای مرکزی با روسیه و چین را به تنها گزینه موجود تبدیل می‌کند. همگرایی سیاسی و نظامی با روسیه در سازمان پیمان امنیت جمعی و همچنین، همگرایی اقتصادی با روسیه در اتحادیه اقتصادی اوراسیایی از عناصر اصلی این امر است. سازمان همکاری‌های شانگهای همچنین به عنوان ساختار اصلی شکل‌دهنده سیستم امنیتی منطقه بسیار مهم است. چارچوب کلی ساخت اوراسیای بزرگ شامل روسیه، چین و کشورهای آسیای مرکزی در حوزه اقتصادی بیشتر به ابتکار عمل «یک کمربند یک جاده» چینی و توافق‌نامه همکاری بین این طرح و اتحادیه اقتصادی اوراسیا مرتبط است. با این حال، از یک سو بین کشورهای آسیای مرکزی و از سوی دیگر مسکو و پکن، هنوز بسیاری از موارد عملی وجود دارد که باید حل شود تا همگرایی را به جلو ببرد، اما در حال حاضر هیچ شاخصی برای حل این مسائل در آینده نزدیک وجود ندارد.

همراه با نفوذ سنتی روسیه، رشد فزاینده چین به شدت در آسیای مرکزی احساس می‌شود و عامل اصلی در شکل‌گیری ساختار جدید منطقه‌ای اوراسیای بزرگ است. روسیه بوسیله پروژه اتحادیه اقتصادی اوراسیایی هم‌چنان به نفوذ جدی خود در آسیای مرکزی ادامه می‌دهد و همچنین بوسیله سازمان پیمان امنیت جمعی نفوذ نظامی و سیاسی خود را در منطقه حفظ می‌کند. «ازبکستان دو بار به سازمان پیمان امنیت جمعی و سی‌آی‌اس پیوست و سپس از عضویت خود انصراف داد (در حال حاضر مشارکت در این سازمان به حالت تعلیق درآمده است). ترکمنستان به‌طور رسمی وضعیت بی‌طرفی را انتخاب کرده است. برخی از کارشناسان برجسته روابط بین‌الملل روس، تعامل روبه‌رشد بین روسیه و چین و پروژه‌های همگرایی مورد حمایت آن‌ها مانند اتحادیه اقتصادی اوراسیایی، سازمان همکاری‌های شانگهای، ابتکار یک کمربند یک جاده و سازمان پیمان امنیت جمعی را ظهور اوراسیای بزرگ می‌دانند» (Karaganov et al, 2015). «وضعیت خاص جنگ سرد جدید در روابط روسیه و آمریکا و مخالفت چینی-آمریکایی نیز از عامل‌های مهم توسعه اوراسیای بزرگ است» (Karaganov & Lukin, 2019).

با تفاسیر فوق هدف مقاله حاضر آن است که با ارائه یک تحلیل سیستماتیک از منافع کشورهای آسیای مرکزی که در رویکرد فعلی روسیه و چین درگیر هستند و رئوس طرح اوراسیای بزرگ را تعیین می‌کنند و در نهایت درک این موضوع است که خود کشورهای آسیای مرکزی در تعامل بین روسیه و چین در طرح اوراسیای بزرگ چه می‌خواهند به این پرسش پاسخ داده شود که کشورهای آسیای مرکزی در روند شکل‌گیری اوراسیای بزرگ با توجه به نقش روسیه و چین چگونه عمل می‌کنند؟ فرضیه نویسندگان این است که کشورهای آسیای مرکزی در طرح اوراسیای بزرگ با اتخاذ سیاست خارجی «چندبردار» به دنبال ایجاد تعادل در برابر نفوذ رو به رشد روسیه و چین هستند. روش تحقیق مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است و برای جمع‌آوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است.

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی به زبان فارسی و بیشتر به انگلیسی پیرامون ایده اوراسیای بزرگ صورت گرفته است که در ادامه به بررسی چند نمونه از آنها که ارتباط بیشتری با موضوع پژوهش حاضر دارد، اشاره می‌شود. نیاکویی و صفری (۱۴۰۰) در مقاله «نقش ابتکارات منطقه‌ای در گذار از نظام تک قطبی به نظام چندقطبی (مطالعه موردی طرح اوراسیای بزرگ تر)» معتقدند با توجه به ویژگی نبود توزان قدرت در نظام بین‌المللی و تلاش دائمی بازیگران برای جبران این امر، طرح‌های منطقه‌ای ابزاری ابتکاری در جهت تمرکززدایی از قدرت در نظام بین‌الملل بوده و دوکارکرد عمده دارند؛ نخست از رویارویی مستقیم بازیگران اصلی نظام بین‌الملل جلوگیری می‌کنند، دوم با ارائه قواعد جایگزین به شکل‌گیری یک نظم چند قطبی کمک می‌کنند. آنها تصریح می‌کنند به دلیل پیچیدگی‌های حاکم بر روابط بازیگران در چنین مجموعه‌هایی سرعت این انتقال پایین خواهد بود، اما در بلندمدت در صورت تحقق می‌توانند نقش اساسی در ایجاد یک نظم چندقطبی کامل داشته باشند. نویسندگان طرح اوراسیای بزرگ روسیه را بخشی از همین روند می‌دانند. با توجه به افول روابط روسیه و غرب و چرخش سیاست خارجی روسیه به سمت شرق، طرح اوراسیای بزرگ نشان‌دهنده تمایل روسیه برای شکل دادن به نظم منطقه‌ای است. با توجه به اشتراک منافع روسیه و چین در حوزه اوراسیا، شکل‌گیری چنین بلوکی از قدرت در شرق می‌تواند به ارتقا جایگاه بین‌المللی روسیه کمک کند. اما در این مقاله موضع کشورهای آسیای مرکزی به عنوان بازیگران مهم در طرح اوراسیای بزرگ پرداخته نشده است.

بورداچف و پیاتاچکوا^۱ (۲۰۱۸) در مقاله «مفهوم اوراسیای بزرگ در چرخش روسیه به شرق»، پیش شرط‌های ظهور اوراسیای بزرگ و همچنین روش‌های مختلف درک و تفسیر سیاسی این مفهوم را بررسی می‌کند. تأکید ویژه بر مسائل امنیتی، تعامل اقتصادی و توسعه نهادها در فضای اوراسیا است. نویسندگان بر ضرورت اصلاح سازمان امنیت و همکاری اروپا به منظور نزدیک کردن فعالیت‌های آن به شرایط ژئوپلیتیک کنونی تأکید می‌کنند. نویسندگان معتقدند در اتحادیه اقتصادی اوراسیایی نیاز به توجه بیشتر به مساله حاکمیت دولت و تقویت ظرفیت نهادی سازمان وجود دارد. در این مقاله بیشتر به اتحاد اقتصادی اوراسیایی و پیشنهادهایی برای تقویت آن پرداخته شده است و سیاست و عملکرد کشورهای آسیای مرکزی در طرح اوراسیای بزرگ نپرداخته است بلکه تأکید اصلی مقاله بیشتر بر عملکرد روسیه است.

مال، کوپر و کانولی^۲ (۲۰۲۰) در مقاله «اوراسیای بزرگ: فراتر از یک چشم انداز؟»، معتقدند اوراسیای بزرگ منطقه نفوذی است که روسیه به دنبال آن است تا وضعیت خود را به عنوان یکی از قدرت‌های برجسته جهان تقویت کند. نفوذ از نظر اقتصادی و امنیتی دنبال می‌شود. پس از خروج اوکراین از روند همگرایی اوراسیایی در سال ۲۰۱۴، ساختار فراملی اوراسیایی تکامل پیدا کرد و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی در سال ۲۰۱۵ به اجرا درآمد. نویسندگان معتقدند چین با پیشی گرفتن از سیاست‌های اتحادیه اوراسیایی به شریک اصلی تجاری روسیه تبدیل شده است. در این مقاله به همگرایی روسیه و چین در طرح اوراسیای بزرگ پرداخته شده است و نویسندگان نظر مثبتی نسبت به روابط روسیه و چین در آینده اتحاد اقتصادی اوراسیایی دارند در حالیکه به نقاط ضعف و قوت همکاری دو کشور با کشورهای منطقه آسیای مرکزی نپرداخته‌اند. اما اطلاعات آماری خوبی از همکاری روسیه و چین در منطقه اوراسیا ارائه می‌دهند.

نوآوری پژوهش حاضر براین اساس است که اگرچه در خصوص ایده اوراسیای بزرگ پژوهش‌های اندکی به فارسی و بیشتر به زبان انگلیسی منتشر شده است اما در همین منابع هم از چشم‌انداز سیاست و منافع کشورهای آسیای مرکزی در مقابل این ایده کمتر پرداخته شده است. در حالی که بررسی سیاست کشورهای آسیای مرکزی برای تحلیل رقابت‌های آینده در این منطقه بسیار مهم است.

1 . Burdachev & Pyatachkova

2 . Mall, Cooper and Connolly

۲. چارچوب مفهومی: سیاست خارجی چندبردار به عنوان راهبرد بقا

همه کشورهای آسیای مرکزی نسخه خود از سیاست خارجی چندبردار را به عنوان راهبرد بقا پذیرفته‌اند، اما آن را به عنوان تلاشی برای اتکا به خود معرفی می‌کنند. «قزاقستان یکی از اولین کشورهایی است که سیاست خارجی چند برادر را اتخاذ کرده‌است. ازبکستان سیاست خارجی مبتنی بر عدم وابستگی را با هدف تبدیل شدن به یکدولت بزرگ دنبال می‌کند. «ترکمنستان سیاست بی‌طرفی را اتخاذ کرد و بنابراین از پیوستن به هر نوع اتحاد خودداری می‌کند» (Fazendeiro, 2015:487). قرقیزستان در عین حال که به دنبال همکاری با روسیه است، همچنین به دنبال روابط خوب با کشورهای همسایه و سایر شرکای خارجی بر اساس اصل برابری و احترام متقابل است. تاجیکستان سیاست «درهای باز» را پذیرفت که به دنبال روابط دوستانه با همه کشورها بر اساس احترام متقابل، برابری و همکاری سودمند متقابل است. به عبارت ساده، سیاست خارجی چندبردار در مورد توسعه روابط مبتنی بر مبنای غیرایدئولوژیک و عمل‌گرایانه است که با تأثیر متقابل پویایی‌های خارجی و داخلی شکل می‌گیرد تا منافع کوتاه‌مدت یا بلندمدت را تقویت کند» (Kurc, 2018: 317).

سیاست خارجی چندبردار راهی را باز می‌کند که با آن دولت‌ها انعطاف‌پذیری در روابط خود را برای به دست آوردن سود از وابستگی‌های اقتصادی و نظامی یا مشارکت با بازیگران بین‌المللی رقیب در منطقه دنبال کنند. «چنین رفتاری در کشورهای آسیای مرکزی قابل مشاهده است و هر کشور بسته به نقاط ضعف و قوت منحصر به فرد خود، منابع طبیعی، منافع بین‌المللی، ساختارهای داخلی و مشکلات امنیتی خود، نسخه خود را از سیاست خارجی چندجانبه اتخاذ می‌کند. به‌طور کلی، «حاکمان آسیای مرکزی در ابتدا تمایل داشتند تا رفتارهای سیاست خارجی خود را بر اساس هنجارها و رویه‌های رایج در دهه ۱۹۹۰ تدوین کنند، به‌طور عمده برای کسب منافع اقتصادی از همکاری با کشورها و شرکت‌های غربی، زیرا موضوع گسترش ناتو در اولویت قرار داشت. برای کشورهایی که منابع طبیعی داشتند، سریع‌ترین راه برای کسب ثروت، همکاری با غرب بود. برای مثال، قزاقستان همکاری عمیقی با نهادهای غربی دارد. با این حال، سطح علاقه بازیگر بین‌المللی تعیین می‌کند که در فعالیتهای خارجی، اقتصادی و امنیتی کشورهای آسیای مرکزی چه چیزی و چگونه می‌توان به آن دست یافت» (Collins, 2009: 262).

«تشدید تعامل ایالات متحده، روسیه و چین در دهه ۲۰۰۰ به نخبگان منطقه ای قدرت داد تا از موقعیت ژئوپلیتیک آسیای مرکزی بیشتر به نفع خود استفاده کنند. این به این دلیل است که کسب منافع اقتصادی و امنیتی از طریق همکاری بین‌المللی، نخبگان دولتی را قادر می‌سازد تا بر اوضاع داخلی کنترل

داشته باشند. سیاست خارجی چندبردار که توسط کشورهای آسیای مرکزی با تمایل به ایمن‌سازی و تداوم رژیم حاکم اتخاذ می‌شود، اساس و توانایی لازم برای بازی با قدرت‌های خارجی علیه یکدیگر یا یافتن تعادل بین روسیه و چین و دولت‌ها و نهادهای غربی را فراهم می‌کند. به عنوان مثال، ترکمنستان به دنبال تنوع بخشیدن به گزینه‌های صادراتی و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی بود. با این حال، علاقه چندانی به شرکت‌های مرتبط با پروژه ناپوکو که هدف آن تنوع بخشیدن به تأمین‌کنندگان گاز طبیعی اروپایی بود، نشان نداد. در عمل، راهبرد صادرات ترکمنستان ترجیح آشکاری را به چین نشان داد. چنین ترجیحی نتیجه اصلی افزایش قدرت اقتصادی چین و شکست پروژه‌های غرب است. چین از ظرفیت اقتصادی و تقاضای انرژی خود برای جذب کشورهای آسیای مرکزی به همکاری‌های دوجانبه استفاده می‌کند که شامل تجارت منطقه‌ای و سرمایه‌گذاری‌های مشترک می‌شود. نمونه دیگر رفتار نامنظم سیاست خارجی ازبکستان در ایجاد مشارکت است. هنگامی که یک اتحاد ارائه می‌شود، جهت‌گیری خود را تغییر می‌دهد» (Kurc, 2018: 317). در مجموع می‌توان گفت رفتارهای سیاست خارجی کشورهای آسیای مرکزی تجلی راهبرد بقای نخبگان حاکم آسیای مرکزی است. با این حال، چندبردارگرایی لزوماً منجر به ایجاد تعادل بین همه بازیگران در هر موضوع سیاسی یا تلاش واقعی برای اتکا به خود نمی‌شود.

۳. ایده اوراسیای بزرگ

لیوایز معتقد است که: «اوراسیا بزرگ برای اولین بار در اتاق فکر و جامعه دانشگاهی مسکو، در دانشکده اقتصاد جهانی و امور بین‌الملل در مدرسه عالی اقتصاد در مسکو مطرح شد» (Lewis, 2018). «پس از بحران اوکراین و مواجهه با چالش‌های جدید، متخصص‌های برجسته دانشگاهی مانند سرگئی کاراگانف رئیس دانشکده اقتصاد جهانی در مدرسه عالی اقتصاد، مدیر برنامه تیموفی بوردچف و الکساندر لوکین، چین‌شناس برجسته روسی شروع به حمایت از گسترش چشم‌انداز روسیه برای همگرایی اوراسیا به منظور دربرگرفتن چین و سایر قدرت‌های منطقه‌ای کردند. به گفته دیوید لوئیس، این چیزی فراتر از تغییر سیاست بلکه یک تغییر عمیق در درک نخبگان روسیه از جغرافیا و محیط بود و ایجاد یک فضای ژئوپلیتیکی متحد از «مورمانسک به شانگهای» (Lewis, 2018: 4).

مفهوم اوراسیای بزرگ خیلی زود در محافل نخبه مسکو مورد توجه قرار گرفت و به گفتمان رسمی سیاست خارجی روسیه تبدیل شد. «در جلسه نشست یک کمربند یک جاده در پکن در سال ۲۰۱۷، پوتین ایده اوراسیای بزرگ را تأیید کرد و استدلال کرد که همکاری چین و روسیه برای همگرایی قاره‌ای

وجود دارد: « اوراسیا بزرگ همچنین باید چشم‌انداز سیاسی و اقتصادی قاره را تغییر دهد». از این لحاظ اوراسیای بزرگ یک طرح ژئوپلیتیک انتزاعی نیست، اما بدون هیچ اغراقی، یک پروژه تمدن واقعی است که به سمت آینده هدایت می‌شود» (Lewis, 2018;7). «هدف نهایی اقتصادی طرح اوراسیای بزرگ، تغییر جهت جاذبه جغرافیایی اقتصاد جهانی به دور از اقیانوس اطلس و اقیانوس آرام زیر سلطه غرب به سمت « قلب اوراسیا»، است که بین روسیه و چین قرار دارد» (Karaganov, 2015). وضعیت کنونی روابط بین‌الملل را می‌توان به عنوان یک جنگ سرد جدید با مرکزیت اوراسیا به عنوان میدان اصلی جنگ و در عین حال به عنوان قطب دوم و غیرغربی توصیف کرد. دلیل آن این است که ایالات متحده و برخی کشورهای اروپایی در تلاش هستند تا کاهش سلطه خود را که در طول پانصد سال گذشته از آن بهره‌برده‌اند، معکوس کنند. «روسیه اکنون بر این باور است که دعوت از چین و سایر قدرت‌های نوظهور به آنچه در گذشته حیات خلوت آن بوده‌است در واقع، منافع اقتصادی آن را تأمین می‌کند. این امر به توسعه خاور دور روسیه کمک می‌کند و به روسیه امکان دسترسی به بازارهای آسیایی را می‌دهد» (Karaganov, 2015; Lukin & Yakunin, 2018). «اوراسیای بزرگ با آوردن سایر قدرت‌های منطقه‌ای و ایجاد فضای چندجانبه برای بحث و تصمیم‌گیری، ابزاری برای مدیریت سلطه منطقه‌ای و جهانی روبه‌رشد چین خواهد بود» (Bordachev, 2015).

اگرچه مفهوم اوراسیای بزرگ جاه طلبی‌های ژئوپلیتیکی و اهمیت تاریخی دارد اما جزئیات عملی آن مشخص نیست. مشخص نیست که اوراسیای بزرگ چه شکل سیاسی_نهادی باید داشته‌باشد و یا حتی در مورد این‌که مرزهای این موجودیت فرمانطقه‌ای باید به کجا ختم شود. سازمان همکاری شانگهای^۱ به عنوان سازوکار اصلی نهادی شناخته می‌شود که قرار است اوراسیای بزرگ با آن کار کند. «اوراسیای بزرگ موقعیت روسیه را در نظام بین‌الملل از چند جهت بهبود می‌بخشد. به روسیه این امکان را می‌دهد تا با توجه به نقاط ضعف خود در قدرت اقتصادی، پویایی فن‌آوری و قدرت نرم با نقاط قوت خود (قدرت نظامی و فعالیت دیپلماتیک) بازی کند. طرفدارهای اوراسیای بزرگ، روسیه را به عنوان ضامن اصلی ثبات منطقه‌ای، یعنی «کلاتر منطقه» و روسیه را به عنوان وزن اصلی در برابر خطر تسلط چین در منطقه می‌دانند» (Karaganov, 2018).

موفق‌شدن یا نشدن طرح اوراسیای بزرگ به عنوان یک پروژه ارتقادهنده جایگاه روسیه به این بستگی خواهد داشت که در میان کشورهای با سطح بالا در سیستم بین‌الملل مورد توجه قرارگیرد یا خیر.

^۱. Shanghai organization cooperation

چین علاقه بیشتری به گسترش حضور خود در اوراسیا پیدا کرده است. با این حال، «جاه طلبی های منطقه ای چین هدف های سیاسی و اقتصادی مشخصی را تأمین می کند: حفظ ثبات در حاشیه غربی آن (که می تواند به استان های غربی چین مانند سین کیانگ سرایت کند)، توسعه اقتصادی استان های غربی کمتر توسعه یافته، استفاده مولد از سرمایه مازاد آن و ظرفیت ساخت و ساز و تأمین مسیرهای تجاری جدید و منابع طبیعی به طوری که وابستگی کمتری به خطوط حمل و نقل بین المللی داشته باشد» (Lukin & Novikov, 2021). چین از گرایش های ضد غربی روسیه که در این پروژه وجود دارد، دوری می کند. اوراسیای بزرگ هنوز با مانع های زیادی روبرو است و مشخص نیست که روسیه قادر خواهد بود چشم انداز خود را به واقعیت تبدیل کند. علاوه بر این، جهان زیر تأثیر تحول های بنیادی پس از کووید-۱۹ قرار دارد. کشورها برای مقابله با مشکل های داخلی خود در حال چرخش به سمت داخل هستند و تقابل چین و ایالات متحد در حال شدت گرفتن است. این شرایط می تواند تلاش های روسیه برای ساخت اوراسیای بزرگ را پیچیده کرده و فرصت های جدیدی را برای بهبود جایگاه خود در اختیار روسیه قرار دهد.

۴. سیاست خارجی چندبردار کشورهای آسیای مرکزی در طرح اوراسیای بزرگ

۴-۱ سیاست خارجی چندبردار کشورهای آسیای مرکزی

سیاست چند جانبه کشورهای آسیای مرکزی به هیچ وجه محدود به تعامل آن ها با چین و روسیه نیست. این کشورها به طور فعال در حال توسعه تعامل با کشورهای غربی در همه قالب های ممکن هستند. با توجه به تناقض های فزاینده بین روسیه و غرب و بین چین و ایالات متحد، سیاست چندمنظوره در حال حاضر یکی از اصلی ترین ابزارهای ایجاد تعادل در برابر نفوذ رو به رشد روسیه و چین است. «کشورهای آسیای مرکزی با اتحادیه اروپا توافق نامه همکاری دارند و در اتحادیه اروپا راهبرد ویژه آسیای مرکزی وجود دارد. آن ها اعضای بانک اروپایی بازسازی و توسعه^۱ و سازمان امنیت و همکاری اروپا^۲ هستند. کشورهای آسیای مرکزی در شورای مشارکت ارو - آتلانتیک و در برنامه مشارکت برای صلح به طور فعال با ناتو همکاری می کنند. از سال ۲۰۰۶، قزاقستان یک برنامه مشارکت فردی با ناتو داشته است. تعامل دوجانبه نظامی و سیاسی نزدیک بین ایالات متحد و چندین کشور آسیای مرکزی پس از آغاز عملیات آمریکا در افغانستان برقرار شد. یک روش کارآمدتر برای مشارکت متعادل در پروژه های همگرایی با

۱. European Bank for Reconstruction and Development

۲. Organization for Security and Co-operation in Europe

کشورهای اسلامی از راه سازمان کنفرانس اسلامی، بانک توسعه اسلامی و سازمان همکاری اقتصادی است. پیوستن هند و پاکستان به سازمان همکاری شانگهای همکاری نهادی بین کشورهای آسیای مرکزی و جنوبی را نهادینه کرد. تقارن همه سازمان‌ها و ارگان‌های ذکر شده در بالا، شبکه‌ای از تعهدات متقابل را ایجاد می‌کند که بانک توسعه آسیا در گزارش خود آن را به یک «کاسه اسپاگتی»^۱، تشبیه کرده است» (Asian Development Bank, 2006). برای تعیین منافع کشورهای منطقه در قبال روسیه و چین، درک این نکته مهم است که سیاست‌های چندجانبه آن‌ها در قبال مسکو و پکن با یکدیگر متفاوت است؛

قزاقستان: به نسبت قوی (از دیدگاه منطقه‌ای)، اما اقتصاد آن معطوف به صادرات منابع طبیعی به چین و اتحادیه اروپا است. سیاست درهای باز به سمت تعامل با همه شرکای ممکن در امور جهانی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی. شروع تعداد زیادی از پروژه‌های همگرایی، مشارکت فعال در ساختارهای چندجانبه؛ همکاری فعال با روسیه در پروژه‌های همگرایی و همکاری سیاسی و اقتصادی فعال با چین؛ تعامل با قدرت‌های غربی که تا حدی نفوذ روسیه و چین را خنثی می‌کند.

ازبکستان: داشتن موقعیت مرکزی در منطقه، جمعیت گسترده و ارتش به نسبت قوی به عنوان ابزار اصلی نفوذ منطقه‌ای. رویکرد محتاطانه سستی نسبت به پروژه‌های همگرایی روسیه؛ اولویت روابط دوجانبه بر روابط چندجانبه؛ درگیری‌های جدی با تعدادی از کشورهای همسایه که توسط رئیس‌جمهور میرضیایف با موفقیت حل شد. تقویت روابط منطقه‌ای به عنوان یک اولویت اصلی. سیاست اقتصادی درهای باز که توسط میرضیایف اجرا شد و منجر به افزایش روابط تجاری با شرکای اصلی شد و تفاوت فاحشی با انزوای اقتصادی در زمان حکومت کریم‌اف دارد.

قرقیزستان: بی ثباتی داخلی، شکاف سرزمینی، نهادهای دولتی ضعیف، از بین رفتن وضعیت مردم‌سالاری کشور منطقه برای نفوذ غرب؛ برقراری پایگاه نظامی روسیه در کانت^۲ و نقش ویژه روسیه در تأمین امنیت ملی کشور از راه سازمان پیمان امنیت جمعی. اقتصاد ضعیف و وابسته به صادرات نیروی کار در روسیه و تجارت ترانزیتی کالاهاى چینی. نقش رو به رشد سرمایه‌گذاری‌های چینی؛ حمایت اقتصادی مستحکم روسیه، مشارکت در پروژه‌های همگرایی روسیه.

تاجیکستان: پایگاه نظامی روسیه و نقش خاص روسیه در تأمین ثبات رژیم سیاسی و امنیت ملی پس از جنگ داخلی؛ وابستگی اقتصادی به صادرات نیروی کار به روسیه؛ نفوذ اقتصادی و سیاسی رو به

1 . Spaghetti bowl

2 .Kant

رشد چین؛ منافع راهبردی هند و پاکستان (به عنوان متحد چین) نسبت به این کشور (هند علاقه‌مند به اجاره پایگاه هوایی آی نی^۱ است)؛ مرز گسترده و بدون محافظت با افغانستان و تهدیدهای فرامرزی برای همکاری با روسیه یا چین برای دفاع از این تهدید. نفوذ فرهنگی ایران، افزایش رقابت بین ایران و عربستان در حوزه قدرت نرم.

ترکمنستان: موقعیت «بی‌طرفی مثبت» و مشارکت نکردن در پروژه‌های همگرایی. سیاست چندمنظوره در حوزه گاز، گشایش همکاری با هر کشوری که مایل به خرید گاز طبیعی است. انزوای طبیعی در سیاست و اقتصاد؛ وابستگی اقتصادی به سرمایه‌گذاران چینی و مصرف‌کنندگان گاز طبیعی؛ مرز گسترده و ناامن محافظت‌شده با افغانستان و تهدیدهای مکرر فرامرزی. سیاست سرکوب اقلیت روسی زبان که بار دیگر در سال ۲۰۲۰، با بسته شدن مدرسه روسی در پایتخت آشکار شد.

با در نظر گرفتن همه این عوامل می‌توان گفت که نفوذ روسیه امروز در قرقیزستان بسیار زیاد، در تاجیکستان و قزاقستان زیاد، در ازبکستان متوسط (هر چند در حال رشد) و در ترکمنستان کم است. نفوذ چین امروز در تاجیکستان، ترکمنستان و قرقیزستان بسیار زیاد، در قزاقستان بالا و در ازبکستان در مورد مسئله‌های مختلف متوسط به بالا است.

۴-۲ همکاری و همگرایی کشورهای آسیای مرکزی با روسیه

روسیه در درجه اول یک بازیگر اصلی امنیتی است که امنیت کشورهای آسیای مرکزی را تضمین می‌کند. سه کشور از پنج کشور منطقه، عضو سازمان پیمان امنیت جمعی هستند و از ضمانت‌های امنیتی روسیه برخوردارند. روسیه در دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰، در دستیابی به راه‌حل مسالمت‌آمیز برای جنگ داخلی در تاجیکستان نقش اساسی در محافظت از مرزهای کشورهای آسیای مرکزی (در درجه اول با افغانستان) داشت. روسیه پایگاه نیروی هوایی در کانت (قرقیزستان) و تاجیکستان (پایگاه ۲۰۱) و همچنین پایگاه نظامی در قزاقستان دارد. سازمان پیمان امنیت جمعی به‌طور منظم، تمرین‌های نظامی که هدف آن محافظت از مرز تاجیکستان و افغانستان است و کانال عملیاتی که هدف آن مبارزه با قاچاق مواد مخدر از افغانستان است، برگزار می‌کند. سازمان پیمان امنیت جمعی همچنین دارای نیروهای ویژه واکنش سریع برای کمک به کشورهای آسیای مرکزی در موارد اضطراری است. «روسیه همچنین وضعیت خوبی در اقتصاد کشورهای آسیای مرکزی دارد اگرچه موقعیت آن در مقایسه با چین هر سال ضعیف‌تر می‌شود. در سال

^۱. Ayni

۲۰۱۴، گردش مالی روسیه با کشورهای آسیای مرکزی حدود ۲۹ میلیارد دلار بود. در سال ۲۰۱۹ در مقایسه با ۲۰۱۵، تجارت روسیه با قرقیزستان، ترکمنستان و ازبکستان کاهش یافت، زیرا این کشورها صادرات خود را به روسیه افزایش دادند. تجارت با آسیای مرکزی به روسیه این امکان را می‌دهد تا اثر منفی تحریم‌های غرب را تا حدی جبران کند» (Kazantsev, Medvedeva, and Safranchuk, 2021:60).

جدول ۱. تجارت خارجی روسیه با کشورهای آسیای مرکزی، میلیون دلار. ۲۰۱۹

کشورها	صادرات	واردات	تعادل
قزاقستان	۹۴۲۷	۳۶۱۲	۵۸۱۵
قرقیزستان	۱۰۲۶	۱۷۱	۸۵۵
تاجیکستان	۶۶۲	۲۷	۶۳۵
ترکمنستان	۵۷۱	۳۳۱	۲۴۰
ازبکستان	۱۹۶۵	۷۶۱	۱۲۰۴
مجموع منطقه	۱۳۶۵۱	۹۰۲	۸۷۴۹

Source : Calculated based on http://www.trademap.org/countrymap/Bilateral_TS.aspx.

«تا سال ۲۰۱۸، روسیه ۱۲٫۲ میلیارد دلار در قزاقستان سرمایه‌گذاری کرده‌بود. مجموع سرمایه‌گذاری روسیه در قرقیزستان بیش از ۲۰۰ میلیون دلار است. سرمایه‌گذاری روسیه در ازبکستان در سال ۲۰۱۸، حدود ۹ میلیارد دلار بود. در تاجیکستان سرمایه‌گذاری روسیه بالغ بر ۱٫۶۷ میلیارد دلار بود» (Minister of Tajikistan, 2019). در مجموع، همگرایی با روسیه در آسیای مرکزی مورد توجه است. «جمعیت ازبکستان همکاری با اتحادیه اوراسیایی را مثبت می‌بیند. در سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۵، کمتر از ۶۷٪ از اتباع ازبکستان از پیوستن این کشور به این اتحادیه حمایت کردند» (EDB Integration Barometer, 2017). «حتی اگر حمایت از همگرایی اوراسیا در قزاقستان پس از سال ۲۰۱۴، کاهش یافت، اما بیش از ۷۰ درصد از جمعیت این کشور هنوز از عضویت در اتحادیه اوراسیایی حمایت می‌کنند» (EDB Integration Barometer, 2017).

۳-۴ همکاری و همگرایی کشورهای آسیای مرکزی با چین

رابطه کشورهای آسیای مرکزی و چین در دو مرحله قابل بررسی است. «از دهه ۱۹۹۰، آسیای مرکزی از نظر حفظ ثبات سیاسی در سین کیانگ برای چین مهم بود» (Syroyezhkin, 2015). برای دستیابی به این هدف، چین مرحله دوم (۲۰۱۱-۲۰۳۰) را همبرد توسعه بزرگ غرب را اجرا می‌کند. توجه

ویژه به پروژه‌های زیربنایی در مناطق ویژه اقتصادی مانند خورگاس (در مرز با قزاقستان). ماهیت راهبردی همکاری چین با کشورهای آسیای مرکزی هنگامی که چین طرح یک کمربند یک جاده را راه‌اندازی کرد، بیشتر تقویت شد. «در سال ۱۹۹۱، کشورهای آسیای مرکزی ارتباط تجاری با چین نداشتند، در حالی که در سال ۲۰۱۴، حجم تجارت آنها از ۴۵ میلیارد دلار فراتر رفت. با این حال، به دلیل کاهش قیمت جهانی کالاهای صادراتی از آسیای مرکزی، کاهش مصرف چین و رشد قیمت کالاهای چینی در سال ۲۰۱۵، حجم تجارت شروع به کاهش کرد و تا سال ۲۰۱۹، به سطح سال ۲۰۱۴ رسید» (Kazantsev, Medvedeva, and Safranchuk, 2021: 62)

جدول ۲. تجارت خارجی چین با کشورهای آسیای مرکزی، میلیون دلار. ۲۰۱۹

کشورها	صادرات	واردات	تبادل
قزاقستان	۱۱۳۷۲	۸۵۳۰	۲۷۹۷
قرقیزستان	۵۵۴۷	۵۴	۵۵۴۳
تاجیکستان	۱۱۴۲۶	۷۷	۱۱۳۴۹
ترکمنستان	۳۱۷	۵۸۱۱۹	-۷۸۰۲
ازبکستان	۳۰۴۲	۱۲۳۲۴	۷۱۸
مجموع منطقه	۲۱۶۵۹	۱۹۱۰۴	۲۵۵۵

Source: Calculated based on

http://www.trademap.org/countrymap/Bilateral_TS.aspx.

بخش سوخت و انرژی آسیای مرکزی اولویت اصلی چین برای همکاری است. «در قزاقستان، تحلیل‌گران سهم شرکت‌های چینی را در تولید کل نفت بیش از ۴۰ درصد تخمین زده‌اند» (Share of Chinese Companies, 2013). «سرمایه‌گذاری چینی‌ها در سوخت و انرژی ازبکستان ۲ میلیارد دلار تخمین زده شده‌است. سرمایه‌گذاری چین در بخش نفت و گاز قرقیزستان حدود ۴۰۰ میلیون دلار تخمین زده شده‌است» (Paramonov & Strokov, 2015). «برای تولید و انتقال حجم زیادی از نفت و گاز، چین خط لوله گاز آسیای مرکزی - چین را ساخت. در اواخر سال ۲۰۱۵، ظرفیت کلی خط لوله به ۵۵ میلیارد متر مکعب رسیده‌است که بیش از یک پنجم تقاضای مصرف‌کنندگان چین برای گاز طبیعی را تشکیل می‌دهد. دو خط لوله نفت آتاسو-آلشانکو و کنکیاک-کومکول^۱ با ظرفیت کلی ۲۰ میلیون تن نفت

^۱ . Atasu-Alashankou & Kenkiyak-Kumkol

سالانه، قزاقستان و چین را به یکدیگر متصل می‌کنند. در حمل و نقل، یک پروژه راه آهن و بزرگراه به عنوان بخشی از دالان بین‌المللی چین غربی-اروپای غربی در حال اجرا است. چین در ساخت یک خط ریلی از راه قزاقستان و ترکمنستان به ایران مشارکت دارد» (Martsinkevich, 2018). «تقسیم کار سستی بین چین و روسیه باعث شد روسیه امنیت منطقه و توسعه زیرساخت‌های چین را تضمین کند» (Kazantsev et al., 2016). در حالی که چین با تهدید تروریسم، افراط‌گرایی مذهبی و تجزیه‌طلبی در سین کیانگ مبارزه می‌کند، بیشتر بر آسیای مرکزی تمرکز کرده‌است. «تاجیکستان به حضور نظامی چین در بدخشان علاقه‌مند است، زیرا این امر به کنترل فعالیت‌های تروریستی در مرز تاجیکستان و افغانستان کمک خواهد کرد. چین در ۲۰۱۶، توافق‌نامه‌ای را در زمینه کمک به تقویت استحکام مرز افغانستان با تاجیکستان امضا کرد» (Hrolenko, 2018).

۴-۵ مشکل روابط کشورهای آسیای مرکزی با چین

با وجود پویایی مثبت در روابط کشورهای آسیای مرکزی با چین، کشورهای آسیای مرکزی نسبت به این که چین آن‌ها را به خود وابسته کند، احتیاط می‌کنند. نگرانی‌های قزاقستان و قرقیزستان در این زمینه بیشتر است، زیرا این کشورها مرز مشترک با چین دارند. قزاق‌ها و قرقیزها، تجربه مثبتی از روابط با چین ندارند. آثار مورخ روسی لو لوگمیلیوف^۱، یکی از بنیانگذاران نظریه اوراسیای مدرن، بهترین توصیف از این تجربه منفی است. تبلیغ‌های ضدچینی در قزاقستان و قرقیزستان اغلب به سابقه‌های تاریخی مانند جنگ امپراتوری شین علیه مردم دونگر اشاره دارد که منجر به نابودی این افراد شد (مردم دونگر با قزاق‌ها و قرقیزها ادغام شدند). زمانی که تعداد زیادی از اوغورها در زمان مائو تسه تونگ به اتحاد شوروی (به‌ویژه به قزاقستان و قرقیزستان) مهاجرت کردند. به دنبال درگیری نیکیتا خروشچف با مائو تسه تونگ، از نقوش اوغورها به‌طور منظم در تبلیغ‌های ضدچینی اتحاد شوروی استفاده می‌شد. امروز این سابقه‌های تاریخی بار دیگر در رابطه با اقدام‌های شدیدتر امنیتی در سین کیانگ برجسته می‌شوند.

کامل توکتوموشف^۲ خاطر نشان می‌کند «بحث‌های سیاسی در منطقه، زیر تأثیر نگرانی‌ها مبنی بر تبدیل کشورهای آسیای مرکزی به کشورهای وابسته به چین است. وی معتقد است افکار عمومی اغلب ابتکارهای پکن در آسیای مرکزی را بخشی از برنامه ایجاد هژمونی منطقه‌ای و جهانی خود، می‌دانند» (Belt and Road Initiative, 2018). «بسیاری از اعضای نخبگان آسیای مرکزی معتقدند که طرح

¹ . Lu Logmilyov

² . Kemel Toktomushev

یک کمربند یک جاده چین جنبه‌های مثبت زیادی دارد و با نیازهای کشورهای آسیای مرکزی سازگار است» (Moldashev, 2019).

در سال های ۲۰۱۸-۲۰۱۷، مردم قزاقستان به شدت نگران وضعیت قوم قزاق در منطقه خودمختار سین کیانگ^۱ چین بودند. بسیاری از افرادی که در اردوگاه‌های آموزش کارگری هستند، در قزاقستان خانواده دارند. «موجی از اعتراض‌های ضدچینی در اوایل سپتامبر ۲۰۱۹، درست قبل از اولین سفر دولت جدید رئیس‌جمهور قزاقستان، کسیم-جامارت توقایف^۲ به چین آغاز شد. این اعتراض‌ها علیه توافق‌نامه بین‌دولتی در مورد تأسیس ۵۵ بنگاه اقتصادی کشاورزی و صنعتی با سرمایه چین در قزاقستان بود. مردم قزاقستان نگران هستند که چین ممکن است اقتصاد کشورشان را به‌طور کامل در دست خود بگیرد» (Kulintsev, 2019).

مردم تاجیکستان نگران افزایش وابستگی مالی و اقتصادی این کشور به چین هستند. مردم قرقیزستان نگرانی‌های مشابهی در مورد چین دارند. «در جریان حل و فصل اختلاف‌های مرزی در دهه ۱۹۹۰، قرقیزستان بخشی از سرزمین‌های مورد مناقشه را نیز به چین منتقل کرد» (Belt and Road Initiative, 2018). الکساندر والترز^۳ معتقد است: «چین به سمت هژمونی اقتصادی و سیاسی در آسیای مرکزی پیش می‌رود» (Walters, 2018). «سرمایه‌گذاری چین و همگرایی قرقیزستان در اتحادیه اقتصادی اوراسیایی به‌طور قابل توجهی تأثیر سیاسی سرمایه‌گذاری چین در قرقیزستان را در مقایسه با تاجیکستان ضعیف کرده‌است. ترکمنستان در روابط خود با چین دچار بحران بدهی است. بدهی عشق‌آباد به پکن بالغ بر ۱۲ میلیارد دلار است» (Ivanov, 2019). «در آگوست ۲۰۰۷، ساخت خط لوله انتقال گاز ترکمنستان- ازبکستان- قزاقستان- چین آغاز شد. پس از راه‌اندازی آن، بیش از ۹۰٪ از کل صادرات گاز ترکمنستان در سال ۲۰۱۷، به چین بوده‌است. با این حال، بخش قابل توجهی از درآمد حاصل از فروش گاز ترکمنستان برای پرداخت وام‌های چین است» (Kazantsev, Medvedeva, and Safranchuk, 2021: 65).

۴-۶ تعامل بین ابعاد مختلف نفوذ روسیه و چین در منطقه

1. Xinjiang

2. Kassym-Jomart Tokayev

3. Alexander Walters

تعامل بین ابعاد مختلف نفوذ روسیه و چین در منطقه، به‌ویژه بین نفوذ نظامی و اقتصادی یک مسئله پیچیده است. هیچ مدل نظری پذیرفته‌شده جهانی برای تحلیل این تعامل وجود ندارد. خوشبختانه یک مورد در آسیای مرکزی وجود دارد که می‌تواند به این سوال پاسخ‌دهد. روسیه نقش عمده‌ای در پایان دادن به جنگ داخلی و تحکیم رژیم امامعلی رحمان در تاجیکستان داشت. حواله‌های مهاجران‌کارگری که در روسیه کار می‌کنند، نیمی از تولید ناخالص داخلی تاجیکستان را تشکیل می‌دهد. همچنین مسکو اسلحه، سوخت یارانه‌ای و اعتبارهایی در اختیار دوشنبه قرارداد. با در نظر گرفتن این موضوع، تاجیکستان در عمل وابسته‌ترین کشور به روسیه در منطقه محسوب می‌شود. بنابراین، جای تعجب نیست که این کشور در تمام سازمان‌های بین‌المللی پساشوروی به ابتکار روسیه شرکت کرد. به عنوان مثال، دوشنبه در سازمان پیمان امنیت جمعی و جامعه اقتصادی اوراسیا (۲۰۰۱-۲۰۱۴) عضو شد. با این حال، با انحلال جامعه اقتصادی اوراسیا، پیوستن به اتحادیه اقتصادی اوراسیایی هنوز در دوشنبه در حال بررسی است. بسیاری از کارشناس‌های آسیای مرکزی و روسیه بر این باورند که عامل افزایش نفوذ چین در آسیای مرکزی، دولت تاجیکستان است. دوشنبه نمی‌خواهد کنترل تقویت روابط اقتصادی بین تاجیکستان و چین را به اتحادیه اقتصادی اوراسیایی بدهد. در عین حال، نقش برجسته روسیه در حوزه امنیتی (پایگاه نظامی روسیه در خاک تاجیکستان، عضویت تاجیکستان در سازمان پیمان امنیت جمعی) بر موقعیت دوشنبه تأثیرگذار است. بدون انکار نقش مسکو، دوشنبه به آرامی سازوکاری برای همکاری سیاسی و نظامی با چین ایجاد می‌کند. در این حالت، تأثیر اقتصادی چین از نفوذ نظامی روسیه اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. ما این مورد را به عنوان تعامل بین نفوذ اقتصادی و نظامی تعریف می‌کنیم، جایی که نفوذ اقتصادی غالب است. علاوه بر این، تلاش شرکت‌های بزرگ روسی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مهم هیدروژن‌سازی تاجیکستان در مقایسه با سرمایه‌گذاری‌های چین در این کشور، اغلب بی‌نتیجه بوده‌است. شرکت‌های روسی در مقایسه با شرکت‌های چینی مورد علاقه دولت تاجیکستان نیستند. بنابراین، روسیه قادر به انتقال نفوذ نظامی خود به نفوذ اقتصادی نیست. در حالی که چین در حال انتقال موفقیت‌آمیز نفوذ اقتصادی به نفوذ در حوزه امنیتی است.

چین هنوز تبدیل به قدرت مسلط اقتصادی در آسیای مرکزی نشده‌است. اگرچه نقش اقتصادی آن در منطقه روبه‌رشد است. روسیه هنوز در اقتصاد آسیای مرکزی جایگاه خوبی دارد، همچنین نقش مهمی در اتحادیه اوراسیایی دارد. قزاقستان و ازبکستان نیز برنامه‌های توسعه اقتصادی خود را دارند. بنابراین، این

عوامل هنوز تأثیر چین بر اقتصاد منطقه را کنترل می‌کنند. کاهش توان اقتصادی نسبی روسیه به دلیل پایین بودن نرخ رشد در دهه گذشته و تحریم‌های غرب، علاقه کشورهای آسیای مرکزی را برای همکاری با چین افزایش داد. در عین حال، این کشورها علاقه‌ای به تسلط کامل اقتصادی چین ندارند. بنابراین، آن‌ها سیاست‌های خارجی چندمنظوره را حفظ می‌کنند. بسیاری از کارشناس‌های آسیای مرکزی بر این باورند که نزدیک‌شدن راهبردی روسیه به چین به عنوان جبران نفوذ پکن در منطقه تلقی می‌شود. «چین و روسیه با ادغام ابتکارهای منطقه‌ای در صدد تعمیق همکاری‌های خود بوده‌اند اما به دلیل تعارضات ساختاری و ماهیت اهداف کلان چین و روسیه، همکاری عمیق و رسمی‌تری بین دو کشور شکل نخواهد گرفت. هدف چین ساختن بنیانی محکم برای تبدیل شدن به تنها هژمونی آینده در اوراسیا است» (Safari & Ahmadi & Barzegar, 2021:98). از طرفی، «تقسیم جهان غرب در دوره اتحاد چین با روسیه تحت رهبری پوتین به احتمال زیاد برای غرب چالش‌های جدیدی ایجاد می‌کند. با وجود رقابت آنها، پکن و مسکو به دنبال راه‌هایی برای بهبود روابط دو جانبه با واشنگتن به منظور محدود کردن و مدیریت بهتر تنش کلی منطقه‌ای خواهند بود» (Monshipouri & Dorraj, 2019: 1).

با این وجود، اگر روندهای پیش از بحران کووید ۱۹ وجود داشته‌باشد، می‌توان پیش‌بینی کرد که چین می‌تواند روزی به سلطه اقتصادی در آسیای مرکزی تبدیل شود. علاوه بر این، چین در حال انتقال نفوذ اقتصادی خود به نفوذ امنیتی است. به همین ترتیب، نقش روسیه به عنوان تأمین‌کننده اصلی امنیت در منطقه تغییر می‌کند. بسیاری از عوامل خاص منطقه بر این روند تأثیر می‌گذارند. به عنوان مثال، قزاقستان در پرتو بحران‌های گرجستان و اوکراین نگران سرزمین‌های شمالی خود است. این وضعیت با گفتگوهای وی‌اچ‌سلو و نیکونوف^۱ در پایان سال ۲۰۲۰، برجسته شد. حل موفقیت‌آمیز درگیری‌های بین ازبکستان و کشورهای همسایه توسط رئیس‌جمهور میرضیایف منجر به همگرایی کشورهای منطقه می‌شود و تقاضا از روسیه برای تأمین امنیت حداقل برای تاجیکستان و قرقیزستان در روابط خود با ازبکستان، کاهش می‌یابد. همچنین شاهد شکل‌های جدید همکاری سیاسی و نظامی با چین، به ویژه برای تاجیکستان هستیم. با این حال، در شرایط نزدیک شدن راهبردی مسکو و پکن، کرملین به‌طور کلی نسبت به این وضعیت بی‌توجه است. برای رهبری کنونی روسیه، تهدید واقعی، رشد همکاری کشورهای آسیای مرکزی با ایالات متحد و به‌طور کلی ناتو است نه با چین.

نتیجه‌گیری

^۱ . Vyacheslav Nikonov

پس از دستیابی ولادیمیر پوتین به قدرت در سال ۲۰۰۰، سیاست خارجی روسیه در قبال آسیای مرکزی با تمرکز بیشتری آغاز شد. بدیهی است که مسکو انعطاف پذیری، عمل گرایی و ثبات بیشتری را در سیاست‌های آسیای مرکزی خود ایجاد کرده‌است. این امر تا حد زیادی به دلیل درک روزافزون آن از اهمیت راهبردی منطقه و تخصیص بودجه بیشتر برای هدف‌های سیاست خارجی امکان‌پذیر شده‌است. در نتیجه، روسیه موفق شده‌است مانع‌های گریز از مرکز منطقه و موقعیت خود در منطقه را تقویت کند و بر نبود اعتماد غلبه کند. با این وجود، هنوز خیلی زود است که در مورد روند طولانی‌مدت و موفقیت چشم‌گیر روسیه صحبت کنیم. این به دلیل فرآیندهای پویا و تحول داخلی منطقه و همچنین تأثیر خارجی در حال رشد است. در درجه اول، این به اوضاع در قزاقستان و ادامه فعال‌سازی سیاست‌های بین‌المللی ازبکستان مربوط می‌شود. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد که روسیه هنوز یک راهبرد بلندمدت یکپارچه در آسیای مرکزی به کار نگرفته‌است و نتوانسته خلاء ژئوپلیتیکی در منطقه را پر کند که هنوز هم از لحاظ اقتصادی قوی نیست. روسیه اهمیت راهبردی منطقه آسیای مرکزی را از منظر احیای خود به عنوان «یک قدرت بزرگ» در نظر می‌گیرد. با این حال، برای روسیه ضروری است که در فضای پسا شوروی با قدرت اقتصادی ژئوپلیتیکی خود بتواند رهبری امنیت منطقه، توسعه اقتصادی، همکاری و همگرایی را در اختیار بگیرد.

هدف مقاله حاضر بررسی این موضوع بود که خود کشورهای آسیای مرکزی در تعامل بین روسیه و چین در طرح اوراسیای بزرگ چه می‌خواهند؟ به‌طور کلی با توجه به مواردی که به آن پرداخته‌شد می‌توان گفت کشورهای آسیای مرکزی با استفاده از توسعه روابط با کشورهای غربی، کشورهای جهان اسلام و آسیای جنوبی برای دستیابی به این هدف، فعالانه‌تر در برابر نفوذ روسیه و چین تعادل برقرار می‌کنند. همگرایی داخلی آسیای مرکزی امیدوارکننده است. روسیه و چین نقش مهمی در زندگی اقتصادی و سیاسی کشورهای آسیای مرکزی دارند. وزن ترکیبی آنها می‌تواند به‌طور قابل توجهی ثبات و توسعه را در منطقه آسیای مرکزی تقویت کند. با توجه به اختلاف‌های بسیاری که بین منافع مسکو و پکن از یک سو و منافع کشورهای آسیای مرکزی از سوی دیگر که مورد تجزیه و تحلیل قرار دادیم، وجود دارد، روسیه و چین باید برگ‌های برنده خود را عالمانه بازی کنند. فشار بسیار شدید روسیه و چین بر کشورهای آسیای مرکزی ممکن است واکنش معکوس ایجاد کند. در مجموع، سه سناریو برای توسعه نفوذ روسیه و چین در آسیای مرکزی وجود دارد؛ سناریو ۱: روسیه و چین به روابط نزدیک خود ادامه می‌دهند و می‌توانند بیشتر مشکل‌های ذکر شده را در گفتگو با ملت‌های منطقه حل کنند. در این حالت، نفوذ ترکیبی آن‌ها در منطقه

افزایش می‌یابد. سناریو ۲: روسیه و چین در حالی که به روابط نزدیک خود ادامه می‌دهند، با کشورهای آسیای مرکزی مسئله را حل نمی‌کنند. بنابراین، این کشورها برای خنثی کردن جنبه‌های منفی نفوذ روسیه و چین، تلاش‌های بیشتری در زمینه‌های دیگر همکاری‌های بین‌المللی آغاز می‌کنند. سناریو ۳: اختلاف بین روسیه و چین افزایش می‌یابد. در این حالت، کشورهای آسیای مرکزی با استفاده از اختلاف‌ها بین روسیه و چین به عنوان عاملی که باعث خنثی کردن جنبه‌های منفی نفوذ پکن و مسکو می‌شود، به سیاست خارجی چندمنظوره خود ادامه می‌دهند.

صفری، فرزانه؛ احمدی، حمید و برزگر، کیهان (۱۴۰۰). «بررسی رویکرد چین و روسیه به نظم منطقه‌ای در اوراسیا»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، (۱)، ۱۸، صص ۸۳-۱۰۲.

نیاکویی، سید امیر و صفری، عسگر (۱۳۹۹). «نقش ابتکارات منطقه ای در گذار از نظام تک قطبی به نظام چندقطبی مطالعه موردی طرح اوراسیای بزرگ تر»، فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، (۱۰۹)، ۲۶، صص ۱۹۶-۱۷۶.

Asian Development Bank. (2006). Increasing gains from trade through regional cooperation in trade policy, transport, and customs transit.

Belt and Road initiative and its influence in Central Asia (review) . (2018). CAA Network. Available at: <https://caanetwork.org/archives/12138>. (In Russian).

Bordachev T., Pyatachkova A. (2018), The Concept of "Greater Eurasia" in the Turn of Russia to the East, *National Research University Higher School of Economics*, Vol. 13(3), 33–51.

China Global Investment Tracker. (2019). American Enterprise Institute. <http://www.aei.org/china-global-investment-tracker/>.

Collins, K (2009). Economic and Security Regionalism among Patrimonial Authoritarian Regimes: The Case of Central Asia, *Europe-Asia Studies*, Vol. 61(2), 260_272.

EDB Integration Barometer. (2017). Eurasian Development Bank. <https://eabr.org/analytics/integration-research/cii-reports/integratsionnyy-barometr-eabr-2017/> (In Russian)

Hrolenko, A. (2018). Why China builds a Military Base and what's that got to do with Tajikistan. *Sputnik Tajikistan*. Available at: https://tj.sputniknews.ru/columnists/20180115/1024425253/tadzhikistan-ukreplyayet-voyennyye-svyazi-kitayem-afganistanom.html?_ga=2.248732239.979194152.1552926919-1445004964.1552926919. (In Russian).

Ivanov, R. (2019). Turkmenistan was trying to save itself from Russian debts and collected Chinese debts—Available at: <https://365info.kz/2019/03/turkmenistan-spasalsya-ot-rossijskih-dolgov-i-nabral-kitajskih-issledovanie>.

Karaganov, S. (2018). The new Cold War and the emerging Greater Eurasia. *Journal of Eurasian Studies*, Vol.9(2), 85–93. DOI: 10.1016/j.euras.2018.07.002

Karaganov, S., Barabanov, O., et al. (2015). Toward the Great Ocean Creating Central Eurasia. The Silk Road Economic Belt and the priorities of the Eurasian states' joint development. *Valdai Club*. Vol.2(5), 15_32.

Kazantsev, A. A., Zvyagelskaya, I. D., Kuzmina, E. M., Lyzyanin, S. G. (2016). Prospects of Russia-China cooperation in Central Asia (Working

- Paper 28/2016). Russian International Affairs Council. Available at: <https://russiancouncil.ru/en/activity/workingpapers/perspektivy-sotrudnichestva-rossii-i-kitaya-v-tsentralnoy-az/>.
- Kazantsev, A., Medvedeva, S. and Safranchuk, I. (2021), Between Russia and China: Central Asia in Greater Eurasia, *Journal of Eurasian Studies*, 2021, Vol. 12(1). 57–71.
- Kulintsev, Y. (2019). Are anti-Chinese protests in Kazakhstan relevant for Russian interests? Russian International Affairs Council. Available at: <https://russiancouncil.ru/analytics-and-comments/analytics/aktualny-li-antikitayskie-protesty-v--kazakhstane-dlya-rossiyskikh-interesov/>. (In Russian)
- Lukin, A. A. (2018). Russian perspective on the Sino-Russian rapprochement. *Asia Policy*, 13(1), 19–25.
- Lukin, A. (2019), Russian–Chinese Cooperation in Central Asia and the Idea of Greater Eurasia, *India Quarterly*, Vol 75, (1), 1_14.
- Malle, S., Cooper, J. & Connolly, R. (2020), Greater Eurasia: more than a vision?, *Post-Communist Economies*, Vol. 32(5), 561-590, DOI: 10.1080/14631377.2020.1738685.
- Martsinkevich, B. (2018). China continues increasing gas imports from Central Asia. *Regnum*. Available at: <https://regnum.ru/news/2545512.html>. (In Russian)
- Moldashev, K. (2019). Risks in the implementation of the “Belt and Road Initiative” in Central Asia. Central Asian Bureau for Analytical Reporting. Available at: <https://cabar.asia/en/risks-in-the-implementation-of-the-belt-and-road-initiative-in-central-asia/>.
- Monshipouri, M., Dorraj, M. (2019). The Divided West and the Rising East. *International Studies Journal*. 15(4), 1-18. DOI: 10.22034/isj.2019.89415.
- Paramonov, V., Stokov, A. (2015), China’s presence in the oil and gas sector of Central Asian states: The status quo and prospects. *CAA Network*. Available at: <http://caa-network.org/archives/5706>. (In Russian).
- Syroezhkin, K. (2015). Xinjiang: A sore issue for China and Kazakhstan. *Asian Research Institute*. Vol. 1(2). 33_55. (In Russian)
- Tsvyk, A. (2018), ‘Greater Europe’ or ‘Greater Eurasia’? In search of new ideas for the Eurasian integration, *RUDN Journal of Sociology*, Vol. 18(2), 262—270. DOI: 10.22363/2313-2272-2018-18-2-262-270.
- Kursiv, E. (2018). What countries are Kazakhstan’s biggest investors? (2018). Available at: <https://kursiv.kz/news/ekonomika/2018-11/kakie-strany-bolshe-vsekh-investiruyut-v-kazakhstan>. (In Russian).
- Kurc, C. (2018). The puzzle: Multi-vector foreign policy and defense industrialization in Central Asia, *Comparative Strategy*, 37(4), 316-330, DOI: 10.1080/01495933.2018.1497352.

Fazendeiro, B. (2015). Uzbekistan's 'Spirit' of Self-Reliance and the Logic of Appropriateness: TAPOich and Interaction with Russia, Central Asian Survey, Vol.34 (4), 487_500.